

گ

گاسی = دوست محمد کوشوانی

(۸۰۷) گلزار رقم

ندانستم لقب کدام یک از خوشنویسان هندوستان است و قطعه‌ای بهمین رقم در کتابخانه سرکاری رامپور است، بقلم دودانگ و کتابت خوش، که رقم و تاریخ چنین دارد: «راقمه گلزار رقم، سنه احد».

گلستانه = علی اکبر سید
گلشن = محمد گلپایگانی

(۸۰۸) گلشن رای

از خوشنویسان هندوستان است و قطعه‌ای بخطوی در سوزه پیشاور پاکستان است، بقلم سه دانگ متوسط، با رقم و تاریخ: «کتابه گلشن رای، سنه ۷۷۷ جلوس اورنگ زیبی» که مطابق است با سال ۱۱۱۲ هجری قمری.

(۸۰۹) گلشنی علی - شیخ

صاحب نتایج الافکار گوید که، از خاندان انصاری و از مردم جونپور بود. بسال ۱۱۱۷ متولد شد و نزد پدر خود شیخ عطاء الله، بتحصیل علوم متداول پرداخت. سفری بشاهجهان آباد کرد و در خدمت میرافضل ثابت، مشق سخن کرد. بامحمد علی حزین همدم بود. جزئیات تعلیق، شکسته و ثلث را نیک می نوشت. آخر عمر منزوی شد و بسال ۱۲۰۰ در اطراف جونپور در گذشت.

(۸۱۰) گلشنی کاشانی

ابتدا سنگ فروشی می کرد و بعد بدربار شاه طهماسب راه یافت و ظاهراً بتعلیم
کودکان دربار پرداخت. مردی مصاحب و عاشق پیشه بود. شعر میگفت و نستعلیق
را با سزه می نوشت. بعثبات سفر کرد و از آنجا بشوشتر افتاد و در تاریخ تألیف تحفه سامی
(سال ۹۵۷) هنوز در این شهر می زیست.

(۸۱۱) گوهر شاد

دختر میر عماد سیفی قزوینی، بزرگترین نستعلیق نویس است. میرزا
سنگلاخ گوید که، همسر میر محمد علی خدیو الخطاطین است و فرزند بسیار آورد
که همه خوشنویس شدند.

گوهر شاد پس از قتل میر تا سال ۱۰۳۲ در اصفهان و سالها سوگوار بود و چون
بیش تاب اقامت در این شهر نیاورد، بقزوین رفت و همانجا بود تا سال ۱۰۳۸
درگذشت. خط نستعلیق را از پدر خود تعلیم گرفته است و در میان زنان خوشنویس
کسی را به زبردستی او در خط نستعلیق ندیده ام. از خطوط وی دیده ام:

یک نسخه گلستان سعدی، بقلم کتابت خوش بلکه عالی در کتابخانه سلطنتی
و با اینکه رقم صریح و تاریخ: «کتابه العبد المذنب گوهر شاد غفرله [کذا] ۱۰۲۵»
دارد، محمد کاظم واله خوشنویس، در پشت این نسخه، آنرا از خطوط خوب میر عماد
تشخیص داده است؛

یک قطعه، بقلم نیمه دو دانگ خوش بآب زر، با رقم: «نمته گوهر شاد،
۱۰۳۰» در مجموعه نگارنده.

ل

(۸۱۲) لاله درگا پرشاد

در شاه جهان نامه آمده است که، فرزند لاله دیاناته و از خوشنویسان و
تند نویسان هندوستان بود و نستعلیق و شکسته هر دو را خوش می نوشت و بار دو شعر
میگفت و «مضطرب» تخلص می کرد و بزبان فارسی آشنا بود و در شاعری شاگرد
محمد عیسی تنها بود. در اوایل دهه نهم از سال ۱۲۰۰ در لکنه درگذشت.

(۸۱۳) لاله لچه می رام پندت

در شاه جهان نامه است که، منشی زبردست و بزبان فارسی و عربی مسلط،
و نقاشی چیره دست بود و نستعلیق و شکسته را خوش می نوشت و در سر کار ذوالفقار
الدوله میرزا نجف خان صدر اعظم شاه عالم (متوفی سال ۱۱۶۹) با احترام
میزیست.

نستعلیق را از محمد حفیظ خان تعلیم گرفته بشیوه او می نوشت. سرانجام
از بینائی چشم پوشید. تاریخ وفاتش را لاله سنکرناته، چنین بنظم آورده است:

از نظر چون رفت شمع بزم علم تیره شد عالم بچشم مردمان
یعنی آن شاهنشاه ملک سخن فیض بخش کودک و پیر و جوان

.....

.....

قادر دل خسته تاریخش بگفت (رفت لچه می رام صدحیف از جهان)

که می شود سال ۱۲۲۸.